



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۵ / ۰۵

یونس نگاه

شناخت ملا عمر

ملا عمر شناسی برای سیاستمداران افغانستان لازم است. انکار آن ملا کارساز نیست. البته سخن ملا ندیم در مورد اهمیت ملا عمر شناسی غلو است. دانشمندان و محققان جهان چندان شوقی ملا عمر شناسی نیستند. برای آنان ملا عمر و طالب پاورقی یک فصل از کتاب جهاد و تروریسم در افغانستان است که شخصیت‌های اصلی داستان آن کاجی‌بی، سیا، آی‌اس‌آی و امثال‌شان بودند.

برای مردم افغانستان اما طالبان یک فصل مستقل در کتاب جهاد، تروریسم و «مقاومت» در برابر تغییر است. ملا عمر شخصیت مهم آن فصل است، و باید شناخته شود.

سیاستمداران و محققان افغانستان به این فکر کنند که چرا سر دسته یک نیروی سیاسی-مذهبی آدم مرموز و گمنامی چون ملا عمر می‌شود؟ چگونه او به نماد سنت‌گرایی و مخالفت با تغییر بدل گردیده، و جامعه قندهار و ولایات مجاور چگونه بستر قدرت‌گیری او شدند؟

ملا عمر از یک قشر جامعه افغانستان نمایندگی می‌کرد، و آن‌گونه که تصور می‌شود آدم بی‌ریشه و منفعل نبود که کاملاً با شانس و طی یک قورمکشی استخباراتی به قدرت رسیده باشد. او و محیط‌اش در شکل‌گیری جریان طالبان نقش داشتند.

باید به این سوال نیز فکر کنیم که چگونه ملا عمر توانست از چنگ دشمنان بی‌شمارش بگریزد، سال‌ها پنهان زندگی کند و با مرگ طبیعی بمیرد.

جوانی من در دوره‌ای سپری شده است که طالبان بازی‌گر اصلی یا بخش مهم سیاست افغانستان بوده‌اند. در سال ۱۹۹۴، زمانی که اولین بار خیر برآمد طالبان در رادیوها پخش شد، من صنف یازدهم بودم و رخصتی تابستانی مکتب ما بود. در آن رخصتی من دو ماه در معدن زغال سنگ کار کردم، و خیرهای اولیه طالبان را شب‌ها هنگام رفع خستگی کار از رادیو می‌شنیدم.

از آن زمان تا امروز تلاش برای شناخت ملا عمر و طالبان بخشی از وقت‌ام را گرفته است، و در چند سال اخیر فرامین ملا عمر، تنها سخنرانی او که در انترنیت نشر شده، صحبت‌های رهبران طالب و چند کتاب خاطرات طالبان را خوانده و شنیده‌ام. در دو هفته گذشته یک کتاب تازه طالبان را خواندم. سخنرانی‌های رهبران طالب و فرامین و تصامیم‌شان را تعقیب می‌کنم. در واقع ملا عمر و طالب‌شناسی جبراً بخشی از کارم شده است. بیشتر کسانی که به مسایل افغانستان علاقه‌مندند و آنانی که می‌خواهند در افغانستان سیاست کنند حداقل به اندازه من درگیر طالب‌شناسی و ملا عمر شناسی اند.

گوشه‌ای از شناخت‌ام از طالبان و ملا عمر را این‌جا شریک می‌کنم:

از عقب‌ماندگی طالبان و نقش‌شان در برپادی وطن بسیار نوشته‌ام و لازم نیست این‌جا تکرار کنم. می‌خواهم به چند برتری سیاسی طالبان بر رقیب‌شان اشاره کنم.

اول) طالبان نیروی بومی‌اند. با مردم محل، نظام اجتماعی و شبکه‌های فعال در روستاهای کشور بلدند و از آن برای پی‌گیری اهداف سیاسی استفاده می‌کنند. نیروهای مخالف طالبان کم‌ریشه‌تر از طالبان‌اند، و بعد از شکست در سیاست رسمی، نتوانسته‌اند در داخل افغانستان و جوامع پیوسته به جامعه افغانستان پناه ببرند و استتار فعال داشته باشند.

دوم) طالبان شکست خود را مثل مخالفان دوره جمهوریت رمانتیزه نکردند، و تاب‌آوری و تعهد به مراتب بیشتر داشتند. طالبان از زندان‌های گوانتانامو و عملیات شبانه امریکایی‌ها آن‌قدر مرثیه نخوانده‌اند که جمهوریتی‌ها از تاخیر در پرواز خروج، انتظار در کمپ‌های قطر برای طی مراحل اسناد سفر به امریکا، یا ترومای آشنایی با محیط تازه در جوامع غربی نالیده‌اند، اشک ریخته و مظلوم‌نمایی کرده‌اند.

سوم) فکر می‌کنم روایت طالبان از پناهگاه ملا عمر در زابل واقعیت دارد و تبلیغات ریاست امنیت ملی که گویا او در کراچی بهسر می‌برد، دروغ است. ملا عمر در افغانستان جای پا داشت، و بخشی از جامعه او را حفاظت کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

آن جامعه حتی برای نگهداری دوستم و اشرف غنی می‌تواند پناهگاه و پوسته حفاظتی ایجاد کند، به شرط آنکه این دو مخالف طالبان و رقیب ملا عمر نیت ماندن در افغانستان داشته باشند، و برای بازپس‌گیری قدرت به بخشی از توده مردم افغانستان مثل ملا عمر اتکا کنند، و مثل او انزوا و تهدید را برای تعقیب آرمان سیاسی-مذهبی تحمل بتوانند.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ